

گنجشک‌ها برای که می‌خوانند

تسبیح و حمد عمومی موجودات جهان

جمعی معتقدند که همه‌ی ذرات موجودات این جهان، اعم از آن‌چه ما عاقل می‌شمایم یا بی‌جان و غیرعاقل، همه دارای نوعی درک و شعورند، و در عالم خود تسبیح و حمد خدا می‌گویند؛ هر چند ما قادر نیستیم به نحوه‌ی درک و احساس آن‌ها پی ببریم و زمزمه‌ی حمد و تسبیح آن‌ها را بشنویم. [آیاتی مانند ۷۴ سوره‌ی بقره] (بعضی از سنگ‌ها از ترس خدا از فراز کوه‌ها به پایین می‌افتند). [آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی فصلت] (خداوند به آسمان و زمین فرمود از روی اطاعت یا کراهت به فرمان من آیید. آن‌ها گفتند ما از در اطاعت می‌آییم. و مانند آن را می‌توان گواه بر این عقیده گرفت).

بسیاری معتقدند که این تسبیح و حمد، همان چیزی است که ما آن را «زبان حال» می‌نامیم. حقیقی است نه مجازی، ولی به زبان حال است نه قال.

در برخی آیات قرآن، سخن از تسبیح و حمد موجودات عالم هستی در برابر خداوند بزرگ به میان آمده است که شاید، از همه صریح‌تر، آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی اسراء باشد که بدون هیچ‌گونه استثنا، همه‌ی موجودات عالم هستی، زمین و آسمان، ستارگان و کهکشان‌ها، انسان‌ها و حیوانات، برگ‌های درختان و حتی دانه‌های کوچک اتم را در این تسبیح و حمد عمومی شریک می‌داند. قرآن می‌گوید: «عالم هستی یک‌پارچه زمزمه و غوغاست. هر موجودی به نوعی به حمد و ثنای حق مشغول است. و غلغله‌ای خاموش در پهنه‌ی عالم هستی طنین‌افکنده که بی‌خبران، توانایی شنیدن آن را ندارند. اما اندیشمندانی که قلب و جان‌شان به نور ایمان زنده و روشن است. این صدا را از هر سو به خوبی به گوش جان می‌شنوند.»

ولی در تفسیر حقیقت این حمد و تسبیح، در میان دانشمندان و فلاسفه و مفسران، بسیار گفت‌وگو است. بعضی آن را حمد و تسبیح «حالی» دانسته‌اند و بعضی «قالی».

پاسخ به یک سؤال

ولی در این جا یک سؤال باقی می‌ماند: «اگر منظور از تسبیح و حمد، حکایت نظام آفرینش از پاکی و عظمت و قدرت خداست، و صفات سلبیه و ثبوتیه او را شرح می‌دهد، پس چرا قرآن می‌گوید شما حمد و تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید؟ اگر بعضی نفهمند، حداقل دانشمندان که می‌فهمند.»

این سؤال دو پاسخ دارد:

نخست این که روی سخن با اکثریت مردم نادان و مخصوصاً مشرکان است و دانشمندان با ایمان که در اقلیت قرار دارند، از این عموم، مستثنا هستند که هر عامی استثنایی دارد. دیگر این که آن‌چه ما از اسرار این عالم می‌دانیم، در برابر

آن‌چه نمی‌دانیم، همانند قطره‌ای در برابر دریا و ذره‌ی کاهی است در مقابل یک کوه عظیم، که اگر درست بیندیشیم، حتی نام علم و دانش نمی‌توان بر آن گذاشت. تا بدانجا رسید دانش من

که بدانستمی که نادانم!

بنابراین در واقع ما تسبیح و حمد این موجودات را نمی‌شنویم؛ هر چند دانشمند باشیم. زیرا آن‌چه را که می‌شنویم، تنها یک کلمه است از یک کتاب بزرگ و روی این حساب می‌توان به صورت یک حکم عمومی خطاب به همه‌ی جهانیان گفت: «شما تسبیح و حمد موجودات عالم هستی را که به زبان حال است درک نمی‌کنید.



تسبیح حیوانات

از امام باقر (ع) نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: «علامت داغ در صورت حیوانات نگذارید. تازیانه به و ثنای خدا می گویند.»



تسبیح دیوار

یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید: از تفسیر آیهی «وان من شیء الا یسبح بحمده» سؤال کردم. امام فرمود: «هر چیزی تسبیح و حمد خدا می گوید، حتی هنگامی که دیوار می شکافد و صدایی از آن به گوش می رسد، آن نیز تسبیح است.»



تسبیح گنجشک

امام باقر (ع) صدای گنجشکانی را شنید. فرمود: «می دانید این ها چه می گویند؟» ابو حمزه ثمالی از یاران خاص امام می گوید: «عرض کردم نه.» فرمود: «این ها تسبیح خداوند بزرگ را می گویند و روزی خود را از او می خواهند.»



تسبیح لباس

در حدیث دیگری می خوانیم که یک روز پیامبر (ص) نزد عایشه آمد. فرمود: «این دو لباس مرا بشوی.» عرض کرد: «ای رسول خدا دیروز شستم.» فرمود: «آیا نمی دانی که لباس انسان نیز تسبیح خدا می گوید و هنگامی که چرک و آلوده شود، تسبیح آن قطع می شود.»

مجموعه این روایات که بعضی از آن ها معانی دقیق و باریکی دارد، نشان می دهد که این حکم عمومی تسبیح موجودات، همه چیز را بدون استثنا در برمی گیرد و همه ی این ها با آن چه در تفسیر دوم (تسبیح به معنی زبان حال و تکوین) گفتیم، کاملاً سازگار است. این که در روایات مذکور خواندیم هنگامی که لباس آلوده و کثیف می شود، تسبیح آن قطع می گردد. ممکن است اشاره به این باشد که وقتی موجودات چهره ی پاک طبیعی دارند، انسان را به یاد خدا می اندازند. اما هنگامی که چهره ی پاک طبیعی خود را از دست دادند، دیگر آن یادآوری از بین می رود.

منبع: تفسیر نمونه، جلد ۱۲، صفحات ۱۳۳ تا ۱۴۰ (با تلخیص)